



چطور رابطه‌ام را با خانواده شوهرم تنظیم کنم؟

یکی از اشتباهات رایج بعد از ازدواج، این است که تصور کنیم خانواده همسر مثل خانواده خودمان هستند. باور کنید خانواده همسر شما در بهترین شرایط ارتباطی، باز هم خانواده فرد دیگری هستند و مگر در موارد استثنا منافع فرزندشان را قربانی منافع شما نمی‌کنند.

یکی از اشتباهات رایج بعد از ازدواج، این است که تصور کنیم خانواده همسر مثل خانواده خودمان هستند. باور کنید خانواده همسر شما در بهترین شرایط ارتباطی، باز هم خانواده فرد دیگری هستند و مگر در موارد استثنا منافع فرزندشان را قربانی منافع شما نمی‌کنند.

یکی از اشتباهات رایج بعد از ازدواج، این است که تصور کنیم خانواده همسر مثل خانواده خودمان هستند. باور کنید خانواده همسر شما در بهترین شرایط ارتباطی، باز هم خانواده فرد دیگری هستند و مگر در موارد استثنا منافع فرزندشان را قربانی منافع شما نمی‌کنند. اینکه شما با خانواده شوهرتان صمیمی شوید عالی است، اما همه عروس‌ها نمی‌توانند با خانواده همسرشان به یک میزان صمیمی شوند.

اختلاف‌های فرهنگی و اختلاف عقاید می‌تواند دیواری در مقابل این صمیمیت بکشد و از طرف دیگر، شخصیت هر دو طرف هم می‌تواند در بیشتر شدن فاصله میان آنها و یا کمتر کردن فاصله تاثیرگذار باشد. پس به محض وارد شدن به خانواده همسران، به دنبال ایجاد صمیمیت و از بین بردن مرزها و فاصله‌ها نگردید. چرا که این تصور اولیه باعث می‌شود روابط از ابتدا اشتباه شکل بگیرند و در ادامه هم در دروسها و سوءتفاهم‌هایی را ایجاد کنند.

دوستشان نداری؟ به آنها احترام بگذار

آنچه که در رابطه شما و آنها اهمیت زیادی دارد، دوست داشتن همدیگر نیست، بلکه احترام گذاشتن به یکدیگر است. مهم نیست که شما دل‌تنگ آنها شوید، به اندازه خودشان در شادی‌هایشان خوشحال باشید و یا از ناراحتی‌هایشان ناراحت. بلکه مهم این است که به تفکر و احساساتشان احترام بگذارید. پس به جای اینکه احساساتتان را به سمتشان هل دهید و بخواهید مثل یکی از اعضای قدیمی خانواده‌شان رفتار کنید، اول احترام را در این رابطه بنا کنید و بعد اگر توانستید و شرایط به شما اجازه داد با آنها صمیمی شوید.

اینکه می‌گویید در روزهای اول عمیقا دوستشان داشتید، چندان نمی‌تواند درست باشد چراکه دوست داشتن در جریان ارتباط ایجاد می‌شود و شما نمی‌توانید به صرف اینکه با فرزند آنها وصلت کرده‌اید، به آنها علاقه‌مند باشید. اما بهتر است به جای ایستادن روی قله کوه یا افتادن در دره، یک تفکر میانه‌روتر که بر پایه احترام است را جایگزین دوست داشتن و یا بیزار بودن از خانواده همسر کنید.

همه رازها را فاش نکنید

بسیاری از زوجها وقتی با هم آشنا می‌شوند برای اینکه به هم نزدیک‌تر شوند، هر چه در زندگی‌شان گذشته و می‌گذرد را با هم

در میان می‌گذارند. آنها حتی حرف‌هایی که خانواده‌هایشان در مورد شریک آینده زندگی‌شان می‌زنند را به او انتقال می‌دهند و با این کار دیدگاهی منفی نسبت به خانواده خود را در نامزد و بعدها همسرشان ایجاد می‌کنند.

از طرف دیگر، بسیاری از زوجها همه رازهای خانوادگی هم را با یکدیگر در میان می‌گذارند و از اشتباهاتی که اعضای خانواده‌شان کرده یا می‌کنند با هم صحبت می‌کنند و از این طریق، ذهنیت طرف مقابل را پیش از آنکه خودش وارد ارتباط شود شکل می‌دهند. کاش شما هم از ابتدا چنین اشتباه‌هایی را مرتکب نمی‌شدید. اما هنوز هم دیر نشده. سعی کنید از این به بعد مرزهای میان خانواده و شریک زندگی‌تان را خودتان بسازید. دلیلی ندارد که انتقاد مادران از او را به همسران منتقل کنید و دلیلی ندارد رفتارهایی که دیگران در غیابش انجام داده اند را با جزئیات برایش بازگو کنید.

شاید نقشش را خوب بازی نمی‌کند

از یاد نبرید که زوجها هر کدام واسط و رابط خانواده خود و کسی هستند که قرار است شریک زندگی‌شان شود. اگر رابطه شما و خانواده همسران ناخوشایند و آزاردهنده است، بخش مهمی از مسئولیت این اتفاق بر عهده همسران است. هم شما و هم همسران، باید میان خانواده خود و شریک زندگی‌تان نقش میانجی را بازی کنید و اجازه ندهید برخوردی در این رابطه پیش بیاید.

در واقع شما در این رابطه نقش لولا را بازی می‌کنید.

لولایی که اگر خود کار نکنند در و دیوار را به هم می‌کوباند. مطمئناً ضعف همسر شما در ایفا کردن این نقش سهم بزرگی در ایجاد این اختلاف‌ها داشته و وقت آن رسیده که او آگاهی بیشتری در مورد این رابطه کسب کند و با مدیریت درست این رابطه آرامش را به آن برگرداند.

به سناریوی مشترک برسید

اینکه خانواده‌ها تا چه اندازه تمایل به ورود به زندگی فرزندشان داشته باشند، با اینکه چقدر به آن وارد شوند تفاوت دارد. ممکن است خانواده شوهرتان نظرهای بسیاری را در مورد تربیت فرزند شما و دیگر مسائل زندگی مشترکتان داشته باشند و این نظرها را با همسران هم در میان بگذارند. اما تا جایی که عقاید همسران تحت تاثیر نظر آنها تغییر نکند، این موضوع نمی‌تواند آسیبی به رابطه شما بزند.

شاید در بعضی موارد همسران با آنها هم نظر باشد اما باز هم آنچه که مهم است، رسیدن به یک سناریوی مشترک است. از یاد نبرید که زندگی زناشویی جای اثبات نیست، بلکه جای به توافق رسیدن است. هر یک از شما با یک سری اصول و ایده‌هایی که در طول زندگی کسب کرده وارد رابطه می‌شود و ممکن است اختلاف نظرهایی در مورد این اصول وجود داشته باشد. اما اگر هر یک از شما بخواهید به دیگری ثابت کنید که من درست می‌گویم، در واقع خود را وارد جنگی می‌کنید که می‌تواند تا آخر عمر ادامه داشته باشد.

مرد خانه باید اوضاع را آرام کند

بهترین حالت در بگومگوهای عروس و خانواده شوهر این است که عروس خود را وارد جنگ مستقیم نکند و حل کردن ماجرا را بعد از رفتن خانواده همسرش به شریک زندگی خود بسپارد. اما نکته‌ای که اینجا قابل توجه است، این است که اگر مادر داماد جنگ کلامی یا رفتاری را شروع کرد، نشان‌دهنده این است که از فیلتر پسر رد شده و به خودش اجازه داده که وارد این نزاع شود.

یعنی همسران در این رابطه لولای خوبی نبوده و نتوانسته آن را به خوبی مدیریت کند. در چنین شرایطی دو احتمال را می‌شود در نظر گرفت. یا اینکه او فکر می‌کند رفتار خانواده‌اش درست است و آنچه شما دخالت می‌نامید را دلسوزی می‌داند، یا اینکه به خاطر ضعف‌هایش نمی‌تواند جلوی دخالت مادر را بگیرد.

اگر دلیل این اتفاق مورد دوم باشد، باز هم همسران باید آگاهی بیشتری را در مورد رابطه همسر و خانواده‌اش کسب کند و با بالاتر بردن مهارت‌های ارتباطی‌اش، نقش موثرتری را در این میان بازی کند.

زندگی در خانه آسان نیست

شنیده‌اید می‌گویند: «دوری و دوستی؟» این ضرب‌المثل شاید برای این مورد یعنی زندگی با خانواده همسر صادق باشد. این به این معنی نیست که عروس یا مادر شوهر افراد بدی هستند. اما قرار باشد در یک ساختمان یا همراه یا در یک خانه زندگی کنند، باید شرایطی را رعایت کنند. در غیر این صورت پیش‌آگهی خوبی ندارد. به این معنی که ممکن است بعضی زوج‌ها با این وجود زندگی خوبی داشته باشند، اما تجربه نشان داده این سبک زندگی در دنیای‌امروزی که استقلال حرف اول را می‌زند، کمی سخت است. با این وجود وقتی زوج‌ها تصمیم می‌گیرند که در یک آپارتمان همراه با خانواده‌شان زندگی کنند، باید قبل از وارد شدن به آن خانه، قوانین ارتباطی‌شان را یک دور مرور کنند.

اینکه رفت و آمدها به چه اندازه باشد، چقدر یکدیگر را ببینند، چقدر در مهمانی‌های هم حاضر شوند و چقدر با هم صمیمی شوند را پیش از وارد شدن به چنین خانه‌ای باید با هم چک کنند و در حین زندگی هم این قوانین و قراردادهای را اصلاح کنند. اما باز هم تاکید می‌کنیم که این قراردادهای حاصل توافق میان شما و همسران است نه تنها نتیجه خواسته‌های شما.

زندگی را به او یاد دهید

شاید ناآگاهی همسران از نیازهای این رابطه اختلاف‌ها را ایجاد کرده باشد و شاید وابستگی او به خانواده‌اش و ناتوانی‌اش در نه گفتن به خواسته‌های آنها این مشکلات را به وجود آورده باشد. اما همان‌طور که گفتیم، از همین امروز باید برای رسیدن به سناریوی مشترک و جا انداختن این تفکر که در بسیاری از موارد حق می‌تواند با هر دو طرف باشد تلاش کنید. گذشته از این، از همسران انتظار نداشته باشید یک شبه این وابستگی‌ها را کنار بگذارند و اختلافات را حل کنند. بلکه همراه او سراغ یک مشاور خانواده بروید و از یک متخصص برای برگرداندن این رابطه به مسیری بهتر کمک بخواهید.

منبع: همشهری تندرستی